

پیام‌های عاشورا برای ایجاد وحدت در جامعه اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین موسی‌الرضا تیموری*

اشاره

واقعه عاشورا نه تنها یادآور رشادت‌ها و ایثارگری‌های امام حسین (علیه السلام) و یاران اوست، بلکه الگویی از عدالت‌خواهی و ایستادگی در برابر استبداد است. این واقعه سبب شد مسلمانان از هر مذهب و قومی، خود را در برابر یک هدف مشترک احساس کنند و همبستگی و اتحاد بیشتری داشته باشند. انقلاب کربلا همواره تأثیر عمیقی بر تاریخ اندیشه و فرهنگ مسلمانان داشته است و آموزه‌های نورانی آن، راهبردهایی برای رفع اختلاف‌ها و تحکیم همبستگی میان مسلمانان ارائه داده است. دقت در پیام‌های نهفته این رویداد تاریخی، اهمیت ایشار، گذشت و همدلی را به عنوان شاخص‌های همگرایی اجتماعی در دنیای امروز برجسته‌تر می‌کند و می‌تواند الگویی برای استحکام پیوندها و تعامل سازنده میان پیروان اسلام باشد. در این نوشتار به اختصار و گذرا به برخی از پیام‌های وحدت‌بخش قیام عاشورا برای همبستگی و ایجاد اتحاد و انسجام دنیای اسلام و جامعه اسلامی اشاره می‌شود.

مقدمه

در مبانی دینی به‌ویژه آیات نورانی قرآن کریم، وجود اختلاف اقوام و تکرر آرا در جایگاه مقوله‌ای اجتماعی مورد تأیید قرار گرفته است. از نظر قرآن، اختلاف‌های اجتماعی اگر به تفرقه، تنازع و خصومت ختم شود، آثار ویران‌کننده و زیان‌باری بر اجتماع دارد و جامعه اسلامی را با خطر تشتت و نابودی روبرو می‌کند و اگر این‌گونه نباشد و از اختلاف قومیت، زبان، فرهنگ و آیین بتوان بهره مثبت برد، وجود آن موجب تکامل و پیشرفت است. در برخی از آیات قرآن نیز حکمت و فلسفه‌ای برای این اختلاف‌ها بیان شده است؛ از جمله «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً

* دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

وَمِنْهَا جَا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ^۱ برای هر یک از شما شریعت و راه روشنی قرار دادیم و اگر خداوند می خواست، همه شما را امت واحدی قرار می داد؛ ولی می خواهد شما را در آنچه به شما داده است امتحان کند. پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ پس شما را به آنچه همواره درباره آن اختلاف می کردید، آگاه می کند».

اهل بیت علیهم السلام با تاسی از آیات قرآن و روش رسول خدا صلی الله علیه و آله، سیره گفتاری و رفتاری خود را بر مبنای وحدت سیاسی و اجتماعی و جلوگیری از تشتت و تنازعات فکری مسلمانان قرار دادند. امام علی علیه السلام درباره خوارج که با شعارها و رفتارهای افراطی، فتنه بزرگی در امت اسلامی ایجاد کرده بودند، فرمود: «إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ تَمَالَّوْا عَلَى سَخَطَةِ إِمَارَتِي، وَ سَأَصِيرُ مَا لَمْ أَخَفْ عَلَى جَمَاعَتِكُمْ، فَإِنَّهُمْ إِنْ تَمَمُوا عَلَى فَيَالَةِ هَذَا الرَّأْيِ انْقَطَعَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ، وَإِنَّمَا طَلَبُوا هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَدًا لِمَنْ أَفَاءَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ، فَأَرَادُوا رَدَّ الْأُمُورِ عَلَى أَذْيَارِهَا، وَلَكُمْ عَلَيْنَا الْعَمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ [سُنَّةِ رَسُولِهِ] سِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَالْقِيَامُ بِحَقِّهِ وَ التَّعَشُّ لِسُنَّتِهِ^۲ این گروه [فتنه انگیز] به علت خشم بر حکومت من، به یکدیگر پیوسته اند و من تا هنگامی که بر اجتماع شما خائف نشوم، صبر و تحمل می کنم و اگر آنها به این افکار سست و فاسد [و نقشه های شوم] ادامه دهند، نظام جامعه اسلامی از هم گسیخته خواهد شد [و در چنین شرایطی صبر نخواهم کرد]. آنها از روی حسد نسبت به کسی که خداوند، حکومت را به او بازگردانده، به طلب دنیا برخاسته و تصمیم گرفته اند اوضاع را به عقب برگردانند [و سنت های جاهلی را زنده کنند]. حقی که شما بر گردن ما دارید عمل به کتاب خدا و سیره و روش رسول الله صلی الله علیه و آله و قیام به حق او و برپاداشتن سنت اوست [و حق من بر شما اطاعت و فرمان برداری است].

جایگاه امام حسین علیه السلام در امت اسلامی

احادیث بسیاری در منابع روایی شیعه و اهل سنت درباره شخصیت والا و جایگاه امام حسین علیه السلام در امت اسلامی بیان شده است که بیان کننده این حقیقت است که آن حضرت جایگاه ممتازی در خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشته اند و در بین امت اسلامی هم با عناوین تکریم آمیز متعددی از قبیل ریحانة النبی، سبط النبی، سید شباب اهل الجنة، سید الشهداء و غیره

۱. مانده: ۴۸.

۲. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹.

شهرت داشتند؛ برای نمونه روایتی از پیامبر گرامی اسلام به جایگاه ایشان نزد پیامبر گرامی و به تبع در امت اسلامی اشاره دارد: «عَنْ عَلِيٍّ الْعَامِرِيِّ، أَنَّهُ خَرَجَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى طَعَامٍ دَعَا لَهُ، فَإِذَا حُسَيْنٌ يَلْعَبُ مَعَ الْغُلَّامِ فِي الطَّرِيقِ، فَاسْتَقْبَلَ أَمَامَ الْقَوْمِ ثُمَّ بَسَطَ يَدَهُ وَطَفِقَ الصَّبِيُّ يَفِرُّ هَاهُنَا مَرَّةً وَهَاهُنَا، وَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ يُضَاحِكُهُ حَتَّى أَخَذَهُ رَسُولُ اللَّهِ فَجَعَلَ اخْدَى يَدَيْهِ تَحْتَ ذَقْنِهِ وَالْأُخْرَى تَحْتَ قَفَاةٍ، ثُمَّ أَقْنَعَ رَأْسَهُ رَسُولُ اللَّهِ فَوَضَعَ فَاهُ عَلَى فِيهِ، فَقَبَّلَهُ، فَقَالَ: حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ: ^۱ يعلى بن مره عامری می‌گوید همراه رسول خدا به مهمانی که دعوت شده بود، خارج شدم. حسین علیه السلام همراه کودکان در میان راه بازی می‌کرد. رسول خدا جلوی آنها ایستاد و دست خود را گشود؛ اما این کودک [امام حسین] از این طرف به آن طرف فرار می‌کرد و رسول خدا او را به خنده می‌آورد تا اینکه حضرت او را گرفت، یک دستش را زیر چانه و دست دیگر را در پشت گردنش قرار داد؛ سپس سرش را بالا گرفت و دهانش را به دهان حسین گذاشت و او را بوسید. پس از آن فرمود: حسین از من است و من از حسینم، خداوند دوست بدارد کسی را که حسین را دوست بدارد. حسین نوه‌ای از نوادگان است».

عبدالرئوف مناوی عالم اهل سنت و نویسنده کتاب فیض القدير در شرح و تفسیر جمله رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، از زبان «وکیع» ابوبکر محمد بن خلف که در نزد اهل سنت به «قاضی» معروف است، چنین نقل می‌کند: «قال القاضي كانه بنور الوحي علم ما سيحدث بين الحسين وبين القوم فخصه بالذكر وبين انهما كشيء واحد في وجوه المحبة وحرمة التعرض والمحاربة واكد ذلك بقوله احب الله من احب حسينا فان محبته محبة الرسول ومحبة الرسول محبة الله: ^۲ گویا رسول خدا با نور وحی می‌دانسته است که میان حسین و امت چه حادثه‌ای واقع می‌شود؛ از این رو شخص حسین را در این روایت ذکر کرده است و این مطلب را یادآورد شده است که پیامبر با حسین در وجوه محبت، حرمت تعرض و جنگ یکی است و این مطلب را با گفتار "احب الله من احب حسينا"، تأکید کرد؛ زیرا محبت به حسین، محبت رسول خدا و محبت رسول، محبت خداوند است».

اهمیت وحدت و مراتب آن

۱. ابوعبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۹۴، ح ۴۸۲۰.

۲. محمد عبدالرئوف مناوی، فیض القدير، ج ۳، ص ۳۸۷، ح ۳۷۲۷.

وحدت و انسجام اسلامی از مسائلی است که از دیرباز مورد توجه عالمان و خادمان به مکتب قرآن و اهل بیت علیهم السلام بوده است. مصلحان و عالمان زیادی از شیعه و اهل سنت به مسئله وحدت اسلامی توجه داشته‌اند که از جمله می‌توان به سکاندار نظام اسلامی رهبر معظم انقلاب اشاره نمود که در بیشتر سخنرانی‌ها و نشست‌های خود بر این مهم تأکید دارند و هدف اصلی از وحدت را رسیدن به تمدن جدید اسلام قرار داده‌اند و می‌فرمایند: «اتحاد دنیای اسلام مراتبی دارد؛ پایین‌ترین مرتبه‌اش این است که جوامع اسلامی، کشورهای اسلامی، دولت‌های اسلامی، اقوام اسلامی، مذاهب اسلامی، علیه هم دست به تعرض نزنند، با هم معارضه نکنند، به یکدیگر ضربه نزنند؛ این قدم اول است. البته بالاتر از این، آن است که دنیای اسلام علاوه بر اینکه به یکدیگر ضربه نمی‌زنند، در مقابل دشمن مشترک هم دست به دست هم بدهند، اتحاد واقعی و کافی داشته باشند، از یکدیگر دفاع کنند. این هم یک قدم بالاتر است؛ از این بالاتر هم این است که کشورهای اسلامی، ملت‌های اسلامی هم‌افزایی کنند. کشورهای اسلامی از لحاظ علمی، از لحاظ ثروت، از لحاظ امنیت، از لحاظ قدرت سیاسی در یک سطح نیستند، می‌توانند به یکدیگر کمک کنند، هم‌افزایی کنند، آنهایی که بالاترند در هر بخشی، دست آن کسانی را که پایین‌تر هستند بگیرند؛ این هم یک مرحله‌ای از وحدت است. مرحله بالاتر هم این است که همه دنیای اسلام متحد بشوند در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی. این چیزی است که جمهوری اسلامی هدف غایی قرار داده: رسیدن به تمدن اسلامی، منتها تمدن متناسب با این زمان، تمدن نوین اسلام».^۱

عاشورا، مکتب وحدت‌ساز

عاشورا نقشه راه خوبی برای اتحاد مسلمانان در مبارزه با مستبدان و ستمگران ترسیم می‌کند. مکتب عاشورا عامل مهمی در اتحاد مسلمانان است که اصول، مبانی، روش‌ها و نظریه‌پردازی در آن مطابق دین اسلام، موافق با فطرت و کرامت انسانی و سازگار با آزادی‌های معنوی و انسانی رقم خورده است؛ به گونه‌ای که نه تنها مسلمانان بلکه غیر مسلمانان هم در مقابل ارزش‌ها و آموزه‌های این مکتب سر ستایش فرود آورده‌اند.

عاشورا آمیخته از مباحث عرفانی، فلسفی، حقوقی، معنوی، تربیتی و ... است. عصاره

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۸/۸/۲۴؛ در:

عاشورا از نگاه درون و برون‌دینی، متشکل از آموزه‌ها و نمادهای دینی و انسانی از قبیل توحید محض و جلب رضایت خداوند، اقامه امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح جامعه بر اساس دین، احیای سنت‌های الهی و نبوی، احترام به اصول مشترک انسانی است و خلاصه عاشورا یعنی «هیهات منا الذله»^۱ یعنی توجه به زندگی شرافت‌مندانه که همین موضوع سبب وحدت‌آفرینی عاشورا است که آثار سیاسی - اجتماعی آن در جامعه اسلامی در سطح جزء و در جامعه جهانی در سطح کل و عامل مقبولیت آن در بین انسان‌ها به‌ویژه مسلمانان گردیده است.

خون او تفسیر این اسرار کرد ملت خوابیده را بیدار کرد

تیغ لاچون از میان بیرون کشید از رگ ارباب باطل خون کشید

نقش الا الله بر صحرا نوشت سطر عنوان نجات ما نوشت

رمز قرآن از حسین آموختیم زآتش او شعله‌ها اندوختیم^۲

امام حسین علیه السلام و حفظ وحدت مسلمین

امام حسین علیه السلام در مسیر حرکت به سمت کربلا، نامه‌ای به اهالی بصره می‌نویسد و آنان را برای احیای کتاب خدا و سنت نبوی فرا می‌خواند. امام در این نامه، امامت و خلافت را حق اهل بیت می‌داند و از تلاش امویان برای از بین بردن سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و احیای بدعت‌ها سخن می‌گوید. نکته مهم این پیام آن است که امام بیان می‌دارد ما برای جلوگیری از تفرقه و گسستن پیوند امت اسلامی، از حق خود گذشتیم.

امام در نامه به بصریان می‌نویسد: «أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَكْرَمَهُ بِنُبُوَّتِهِ، وَاخْتَارَهُ لِرِسَالَتِهِ، ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَقَدْ نَصَحَ لِعِبَادِهِ وَبَلَغَ مَا أُؤْتِيَ بِهِ، وَكُنَّا أَهْلَهُ وَأَوْلِيَاءَهُ وَأَوْصِيَاءَهُ وَوَرَثَتُهُ وَأَحَقُّ النَّاسِ بِمَقَامِهِ فِي النَّاسِ، فَاسْتَأْثَرَ عَلَيْنَا قَوْمَنَا بِذَلِكَ، فَارْضِينَا وَكَرِهْنَا الْفُرْقَةَ وَأَحْبَبْنَا الْعَافِيَةَ، وَنَحْنُ نَعْلَمُ أَنَّا أَحَقُّ بِذَلِكَ الْحَقِّ الْمُسْتَحَقِّ عَلَيْنَا مِمَّنْ تَوَلَّاهُ وَقَدْ أَحْسَنُوا وَأَصْلَحُوا وَتَحَرَّوْا الْحَقَّ، فَارْحَمَهُمُ اللَّهُ، وَغَفِرْ لَنَا وَلَهُمْ وَقَدْ بَعَثْتُ رَسُولِي إِلَيْكُمْ بِهَذَا الْكِتَابِ، وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ ص فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ، وَإِنْ أَلْبَدَعَهُ قَدْ أُحْيِيَتْ، وَإِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَتَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرِّشَادِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ

۱. علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۱۶۶ - ۱۶۷.

۲. اقبال لاهوری، کلیات اشعار فارسی، ص ۷۵.

اللّٰهُ: ^۱ خداوند محمد ﷺ را از میان مخلوقات برگزید و او را با نبوت خویش کرامت داد و به پیامبری انتخاب کرد و آن‌گاه وی را به سوی خویش برد، درحالی‌که بندگان را اندرز داده و رسالت خود را رسانده بود و ما خاندان و دوستان و جانشینان و وارثان وی بودیم و از همه مردم به مقام و جایگاه او در میان مردم شایسته‌تر بودیم؛ اما قوم ما این جایگاه را به خود اختصاص دادند، ما را کنار زدند و ما [به اجبار] رضایت دادیم و تفرقه را خوش نداشتیم و [صلح و] سلامت را دوست داشتیم؛ درحالی‌که می‌دانستیم ما به این کار از کسانی که عهده‌دار آن شدند شایسته‌تریم. اکنون فرستاده‌ام را به همراه این نامه به سوی شما روانه کردم و شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر او دعوت می‌کنم؛ زیرا سنت مرده و بدعت زنده شده است. اگر سخنان مرا گوش دهید و دستور مرا اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت می‌کنم. سلام بر شما و رحمت و برکات خدا».

امام حسین علیه السلام در موارد متعدد در مسیر سفر سرنوشت‌ساز خود به کربلا بارها از موضوع «امت» سخن گفتند و خاطرنشان کردند که مسئله آن حضرت، حفظ امت است. موضوعی که آن حضرت را به قیام علیه طاغوت زمان واداشت، نابسامانی‌هایی پدیدآمده در امور امت اسلامی بود. امام در همان نقطه آغاز حرکت خود و زمانی که مروان بن حکم پیشنهاد بیعت با یزید را بر آن حضرت عرضه داشت، از کلمه امت استفاده فرمود: «و علی الاسلام السلام اذ قد بلیت الامة براع مثل یزید»؛ ^۲ یعنی دیگر باید با اسلام وداع کرد آن زمانی که «امت» به حکمرانی مانند یزید مبتلا شود. به دیگر سخن اگر بنا باشد یزید حکمران امت اسلامی باشد، دیگر نشانی از اسلام باقی نخواهد ماند. نگرانی امام علیه السلام در اینجا در قالب امت بیان شده است که امت، آسیب خواهد دید و در چنین امتی، اسلام از بین خواهد رفت. دایره امام محدود به گرایش مذهبی خاص نیست و فقط یاران خود را مد نظر قرار نداده‌اند، بلکه نگرانی ایشان با افق بسیار وسیعی امت واحده اسلامی را دربر می‌گیرد.

پیام‌های وحدت‌آفرین عاشورا

در ادامه به برخی از پیام‌های عاشورا اشاره می‌شود.

۱. سنت نبوی، عامل انسجام اسلامی

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۵، ص ۳۵۷؛ احمد بن داود دینوری، الاخبار الطوال، ص ۳۴۲

- ۳۴۳؛ موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. علی بن موسی سید بن طاووس، الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۹۹.

امام حسین علیه السلام به برادرش محمد بن حنفیه وصیتی می‌کند که تمام هدف قیام خود را در این وصیت بیان کرده است: «أَتِي لَمْ أَخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مَفْسَدًا وَلَا ظَالِمًا، وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأُسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ»^۱ من برای خوش‌گذرانی و از روی خودخواهی و برای فساد و ستمگری خروج نکردم، بلکه هدف من اصلاح فسادهایی است که در امت جدم به وجود آمده است. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کرده، به سنت جدم و راه و روش پدرم علی بن ابی‌طالب علیه السلام عمل کنم».

آن حضرت در بیانی دیگر خطاب به مردم می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مُدْخَلُهُ»^۲ ای مردم، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر مسلمانی با سلطان ستمگری مواجه شود که حرام خدا را حلال می‌کند و پیمان الهی را درهم می‌شکند و با سنت [و قانون] پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مخالفت برخاسته است و در میان بندگان خدا، راه گناه و دشمنی در پیش گرفته است؛ ولی او در مقابل چنین حاکمی، با عمل یا با گفتار اظهار مخالفت نکند، بر خداوند است که این فرد [ساکت] را به جایگاه همان طغیانگر [در آتش جهنم] داخل کند».

در حقیقت امام حسین علیه السلام، امت اسلام را دارای گسستگی می‌بیند و راه نجات را رجوع به سنت نبوی و انسجام بر محور پیامبر اکرم و آموزه‌های قرآنی از قبیل عمل به امر به معروف و نهی از منکر می‌داند که اگر امروز نیز امت اسلام به همان سیره و روش برگردند، به تشتت مبتلا نمی‌شوند و بر محور آموزه‌های وحیانی و نبوی، مسیر اعتدال را با عزت و افتخار طی خواهند کرد.

۲. محورهای قیام حسینی

حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه تا کربلا، اخلاق‌مدارانه و بر اساس مبانی و اصول اساسی اسلام بود. آن حضرت در طول نهضت عاشورا، همواره بر مبانی اسلام مانند توحید، نبوت و معاد و پرهیز از تفرقه تأکید داشتند. ایشان در خطبه‌های خود از جمله در منا، مسلمانان را به وحدت و

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹؛ محمد بن علی ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۸۹.

۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۴، ص ۳۰۴؛ موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسين، ج ۱، ص ۳۳۵.

پرهیز از تفرقه دعوت کرد. این رویکرد نشان می‌دهد که قیام عاشورا تنها یک حرکت مذهبی خاص نبود، بلکه حرکتی فراگیر برای حفظ کیان اسلام بود. امام در بیانی نورانی می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ وَلَا اِتِّمَاسًا مِنْ قُضُولِ الْحُطَامِ وَلَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرَ الْأَعْيَانَ فِي بِلَادِكَ وَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَيُعْمَلَ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَنِكَ وَأَحْكَامِكَ»^۱ خداوندا، تو آگاهی که آنچه به دست ما صورت گرفت، نه به طمع پادشاهی و جاه بود، نه به طلب ثروت و مال، بلکه ما خواستیم نشانه‌های راه دینت را ارائه دهیم و در شهرهای تو اصلاح را آشکار کنیم. باشد که بندگان مظلوم تو روی آسایش و امنیت ببینند و آسوده‌خاطر به طاعت تو برخیزند و فرایض و سنت‌های تو عملی گردد».

۳. یاران امام حسین (علیه السلام) نمونه و نماد وحدت عملی

مشارکت گروه‌های مختلف در قیام عاشورا یکی از جلوه‌های وحدت در واقعه عاشورا است. یاران آن حضرت از طوایف و گروه‌های مختلف با گرایش‌های دینی و اعتقادی متعدد از آیین و دین مسیحی تا پیروان مذاهب اسلامی، در این قیام مشارکت دارند. از قومیت عرب و غیرعرب، حتی غلام سیاه‌پوست در قافله کربلا حضور دارند و به جرئت می‌توان گفت امام حسین (علیه السلام) و قیام عاشورا، مرزهای قومی و مذهبی را کنار گذاشت و بر اساس ارزش‌های انسانی و اسلامی عمل کرد.

۴. اربعین، بازسازی و احیای شکوه امت اسلامی

زیارت اربعین به پدیده‌ای کم‌نظیر در جهان اسلام تبدیل شده است. زیارت اربعین موجب تقریب و وحدت اسلامی مسلمانان و حتی وحدت ادیان شده است و عشق و محبت به امام حسین (علیه السلام) و تجدید عهد و میثاق با آن امام و شهدای کربلا، هر روز شعله‌ورتر شده و نماد و افتخاری بر مسلمانان شده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جمعی از موکب‌داران عراقی با ایشان، اربعین را پیونددهنده ملت‌ها دانستند و فرمودند: «از ده‌ها کشور در راه‌پیمایی اربعین شرکت می‌کنند و میهمان مردم عراق می‌شوند، سعی کنیم در این راه‌پیمایی پیوندهای مستحکم بین برادران مسلمان را بیشتر کنیم؛ پیوند بین عراقی و غیرعراقی، پیوند بین شیعه و سنی، پیوند بین عرب و فارس و ترک و کرد. این پیوندها مایه سعادست، این پیوندها آیت رحمت پروردگار است.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۷۹.

دشمن سعی در تفرقه دارد که نتوانسته است و به حول و قوه‌ی الهی نخواهد توانست. ما - ایران و عراق - دو ملت هستیم متصل به یکدیگر؛ تن‌های ما، دل‌های ما، جان‌های ما به یکدیگر متصل است؛ آنچه این اتصال را ایجاد کرده است، ایمان بالله و محبت به اهل بیت علیهم‌السلام است، محبت به حسین بن علی علیه‌السلام است؛ روزبه‌روز هم این زیاد خواهد شد ان‌شاءالله. دشمنان توطئه می‌کنند، اما توطئه دشمنان اثری نخواهد کرد»^۱.

کتاب‌نامه

۱. ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد، المنح المکیة فی شرح الهمزیه، بیروت: دارالمنهاج، ۱۴۲۶ ق.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، قم: نشر علامه، [بی‌تا].
۳. آقائوری، علی، امامان شیعه و وحدت اسلامی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۶ ش.
۴. اقبال لاهوری، محمد، کلیات اشعار فارسی، تصحیح: احمد سروش، تهران: نگاه، ۱۳۸۸ ش.
۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ق.
۶. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه‌السلام، قم: انوار الهدی، ۱۳۸۶ ش.
۷. دینوری، احمد بن داود، الاخبار الطوال، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۳۷۳ ش.
۸. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ ق.
۹. علی بن موسی، سید بن طاووس، الملهوف علی قتلی الطفوف، تحقیق: شیخ فارس حسون، [بی‌جا]: دارالاسوه للطباعة و النشر، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی لبنان، ۱۳۶۲ ش.
۱۱. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه للإمام علی بن ابی طالب علیه‌السلام، ج ۳، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ ش.
۱۲. مناوی، محمد عبدالرؤوف، فیض التقدير، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۹۱ ق.

۱. بیانات در دیدار جمعی از موکب‌داران عراقی، ۱۳۹۸/۶/۲۷؛ در: <https://farsi.khamenei.ir>